

## شناسایی مؤلفه‌های همبستگی ملی در اقوام ایرانی

علی اصغر سعدآبادی<sup>۱</sup>، علی اصغر پورعزت<sup>۲</sup>، طیبه عباسی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۲/۲/۲۱

### چکیده

از مهم‌ترین مسائل اجتماعی در امنیت ملی ج.ا.ایران، تنوع قومی است. به نظر می‌رسد که این تنوع قومی می‌تواند هم منبع چالش باشد و هم فرصت‌هایی را برای رشد و توسعه کشور فراهم ساخته و منبع قدرت محسوب شود. هر یک از قومیت‌ها به شکل بالقوه، ظرفیت قابل توجهی برای ادغام در مصالح ملی، مشارکت سیاسی و حفظ و حراست از کشور دارند، بنابراین تهدیدهای مطرح شده در مورد گروه‌های قومی، بیشتر بر اثر مشکلات مدیریتی بوده و می‌توان با مدیریت مناسب ارزش‌های ملی و توسعه عدالت بین قومی، این تهدیدها را برطرف ساخت. در این پژوهش، ابتدا به روش اقدام‌پژوهی تاریخی و تفسیری، منابع بالقوه تعلق‌های ملی هفت قوم فارس، لر، بلوچ، ترکمن، عرب، کرد و آذری مورد شناسایی قرار گرفته و سپس با مراجعه به خبرگان و استفاده از فن (تکنیک) دلفی فازی، ضریب اهمیت و تأثیر این مؤلفه در بروز بحران قومی یا تسریع روند توسعه هم‌افزا و همگرا، بررسی شده است.

**واژگان کلیدی:** امنیت ملی، تعلق‌های ملی، توسعه هم‌افزا، بحران قومی، دلفی فازی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشگاه تهران. [alisadabadi@ut.ac.ir](mailto:alisadabadi@ut.ac.ir)

۲. دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه تهران

۳. استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه تهران

## ۱. کلیات

### ۱-۱. طرح مسئله

ملت، مقوله‌ای تاریخی، اجتماعی و فرهنگی است (Dobbins, 2003: 88). واژه ملت بر جامعه‌ای تاریخی دلالت دارد که نهادها و موجودیت‌هایش، از فرهنگ و زبانی مشترک برخوردارند و در قلمرو یا سرزمینی مشخص ساکنند (Hippler, 2005: 7-10)؛ گاهی به لحاظ فقدان ارزش‌ها، باورها، مذهب و زبان مشترک، در صورت پافشاری هر یک از اقوام شکل‌دهنده یک ملت بر حفظ زبان مادری و اجرای سنن و آداب باستانی خود، زمینه نوعی ناهمسانی و تضعیف هویت مشترک و انسجام ملی پدید می‌آید (Kruger, 1998 & Aguwa, 1997: 338). در این صورت، نیل به وحدت ملی مستلزم سرمایه‌گذاری مادی و معنوی قابل ملاحظه‌ای است (نقیب‌السادات و همکاران، زمستان ۱۳۹۱: ۹۵). با گسترش کشمکش‌های قومی و افزایش اهمیت آن در سیاست بین‌الملل در دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی، وجود فرضیه قومیت و به تبع آن تصور تضعیف امنیت ملی، به فرضیه‌ای تعمیم‌پذیر در تحلیل مناسبات قومیت و حاکمیت سیاسی تبدیل شد، اما نمی‌توان این فرضیه را به همه کشورهایایی که دارای اقوام متعدد هستند، تعمیم داد. پدیده تنوع و کثرت قومی در ایران، هم فرصت است و هم تهدید (امیدی، ۱۳۸۵: ۱۳۰). در صورت مدیریت کارآمد در چارچوب تنوع‌زبانی و گوناگونی قومی، این پدیده، فرصتی است که می‌تواند قدرت نفوذ ایران را در عرصه بین‌المللی افزایش دهد، در غیر این صورت، اگر فقط به دشواری اداره این تنوع نگریسته شود، شکی نیست که این فرصت نیز مانند هر فرصت دیگری به تهدید تبدیل خواهد شد.

### ۱-۲. پیشینه تحقیق

براساس نتایج تحقیقی، قوم‌مداری، نوعی تلقی فرهنگی است که بر اساس آن، اعضای یک قوم ارزش‌ها، هنجارها و شیوه زندگی قوم خود را برتر از دیگر اقوام می‌دانند و بر

اساس دیدگاه‌های قالبی دربارهٔ دیگر اقوام قضاوت می‌کنند. قوم‌مداری مانع از شکل‌گیری تنوع هویت جمعی در شبکهٔ روابط بین قومی می‌گردد (یوسفی و اصغریور ماسوله، ۱۳۸۸: ۱۲۵). این پژوهش، مؤلفهٔ دیگر تعلق‌های ملی را موردنظر قرار نداده است.

در تحقیقی دیگر، بیان شده است که بحران قومی، ناظر بر وضعیت پیچیده و خطرناکی است که با طرح تقاضاهای قومی و هویتی توسط گروه‌های قومی در بخشی از کشور، حادث می‌شود (الطائی، ۱۳۸۲: ۶۳). در نقطهٔ مقابل، توسعهٔ هم‌افزا، حاصل همکاری قابلیت‌ها و شایستگی‌های ویژهٔ اقوام گوناگون و هدایت آن در جهت تسریع روند توسعهٔ کشور است (الطائی، ۱۳۸۲: ۶۴). هرچند این پژوهش، به بیان تعلق‌های ملی و عوامل واگرایی قوم‌ها پرداخته است، اما مؤلفهٔ ناظر را شناسایی نکرده است.

مقاله‌ای با عنوان «تحلیل قومیت و هویت قومی در ایران؛ جهت امنیت پایدار» اختلاف‌ها و اشتراک‌های الگویی اقوام در ایران و عوامل تهدیدکنندهٔ اقوام علیه همگرایی و امنیت پایدار ملی را بررسی کرده است. به طور کلی این مطالعه، وجوه اشتراک قومیت‌های ایران و عوامل تهدیدکنندهٔ این اقوام علیه امنیت ملی کشور را پژوهش کرده است (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۶۲-۳۵)، اما به لحاظ ساختاری، مؤلفه، شناسایی و تبیین نشده است.

پراکندگی قومی در سرحدات و موضوع امنیت پایدار مرزی، مورد بررسی پژوهشی دیگر، با عنوان «ارتباط بین پراکندگی اقوام ایرانی و امنیت مرزها» قرار گرفته است (پیشگاهی‌فرد و امیدی، ۱۳۸۸). این پژوهش بیشتر به شناسایی مؤلفهٔ گسست پرداخته است.

در پژوهشی دیگر، وجود محدودیت‌ها و بی‌عدالتی‌های جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی و عدم اتخاذ راهبردهای مناسب نظامی - امنیتی در سرحدات مرزی مؤثر شناخته شده و در راستای تأمین امنیت بهینه و جلوگیری از گسترش روزافزون تهدیدها و مناقشه‌ها در مناطق مرزی، به ارائهٔ راهکارها و پیشنهادهای لازم از بُعد نظامی - امنیتی

پرداخته شده است (چوخابی‌زاده مقدم، امینی قشلاقی، ۱۳۸۹: ۲۱۰-۱۸۶)، اما سایر ابعاد ملت‌سازی قوم‌ها مورد توجه قرار نگرفته است.

در این پژوهش، ابتدا به روش اقدام‌پژوهی تاریخی و تفسیری، منابع بالقوه تعلق‌های ملی هفت قوم فارس، لر، بلوچ، ترکمن، عرب، کرد و آذری مورد شناسایی قرار گرفته و سپس با مراجعه به خبرگان و استفاده از فن (تکنیک) دلفی فازی، ضریب اهمیت و تأثیر این مؤلفه در بروز بحران قومی یا تسریع روند توسعه هم‌افزا و همگرا، بررسی شده است.

### ۱-۳. پرسش‌های تحقیق

۱-۳-۱. منابع بالقوه تعلق‌های ملی در بین قومیت‌های گوناگون ایران کدامند؟

۱-۳-۲. به چه طریق می‌توان تعدد و تنوع قومی و فرهنگی را به فرصت تبدیل نمود؟

### ۱-۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، توسعه‌ای و کاربردی است. این پژوهش بر اساس چگونگی به دست آوردن داده‌های مورد نیاز و از جنبه روش انجام آن، در زمره تحقیق‌های توصیفی قرار می‌گیرد. روش پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی از نوع تحلیل محتواست. تحلیل محتوا در پی برجسته‌سازی محورهای یک موضوع و متن با هدف تحلیل و توصیف و ارائه واقعیت‌ها می‌باشد.

از آنجا که بخش عمده پژوهش حاضر، کتابخانه‌ای است، نویسندگان از منابع گوناگون گردآوری اطلاعات (شامل کتاب‌ها، مقاله‌ها، پایان‌نامه‌ها و نیز پایگاه اینترنت و نمایه)، استفاده کرده‌اند. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش، شامل انواع گوناگونی از داده‌های کیفی مانند گفت‌وگو، مشاهده، مصاحبه، گزارش‌های عمومی، یادداشت‌های روزانه پاسخ‌دهندگان و تعامل‌ها و تفکرات خود پژوهشگران می‌باشند. روش گردآوری

اطلاعات در تحقیق حاضر، روش مصاحبه عمیق و پرسشنامه هفت مقیاسی است. در این مطالعه، مصاحبه‌های عمیق با خبرگان به‌عنوان روش اصلی گردآوری داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. مصاحبه‌های اولیه به شکل باز و ساختارنیافته انجام گرفت و به مرور با توجه به پاسخ‌های داده شده به پرسش‌ها و رمز (کُد) گذاری مصاحبه‌های اولیه و پیدا کردن سرنخ‌های بیشتر برای پرسش‌های بعدی، شکل پرسش‌ها تا اندازه‌ای تغییر کرد، هرچند تمام پرسش‌ها مرتبط با موضوع و در چارچوب پی بردن به پرسش‌های اصلی تحقیق بود.

در طراحی پرسشنامه نیز با بهره‌گیری از مبانی نظری فارسی و لاتین و استفاده از نظر صاحب‌نظران و استادان محترم، عوامل بالقوه مرتبط با موضوع شناسایی و ابتدا پرسشنامه مقدماتی، و پس از تعیین اعتبار و روایی آن، پرسشنامه نهایی تهیه شد. همچنین در پرسشنامه این پژوهش، به‌منظور سنجش دیدگاه و نگرش افراد، از مقیاس هفت گزینه‌ای استفاده شده است. در تعیین روایی پرسشنامه، از روش روایی محتوا (اعتبار محتوا) استفاده گردید و به‌منظور تعیین پایایی آزمون، از روش آلفای کرونباخ بهره‌برداری شد. به این منظور، یک نمونه اولیه شامل ۴۵ پرسشنامه بین استادان دانشگاه تهران، علامه طباطبایی و پیام نور، پیش‌آزمون گردید و سپس با استفاده از داده‌های به دست آمده از این پرسشنامه‌ها و به کمک نرم‌افزار آماری SPSS میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد. از آنجا که ضرایب آلفای به دست آمده برای تک‌تک متغیرها و ابعاد محاسبه‌شده بزرگ‌تر از ۰/۷ می‌باشد (۸.۲۴)، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پرسشنامه مورد استفاده، از قابلیت اعتماد لازم برخوردار می‌باشد.

#### ۱-۴-۱. جامعه آماری و نمونه تحقیق

جامعه آماری این پژوهش، همه خبرگان و متخصصان در زمینه مدیریت دولتی، مطالعه‌های سیاسی، امنیت ملی، عدالت بین‌قومی، جغرافیای سیاسی، مطالعه‌های انتظامی،

دفاع ملی و خط‌مشی‌گذاری می‌باشند که در این حیطة، صاحب تجربه، صاحب اثر پژوهشی یا کاربردی و صاحب‌نظر هستند. نمونه آماری پژوهش، مشتمل بر ۱۸ نفر از استادان مجرب و صاحب‌نظر در حیطة سازمان از دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی، تربیت مدرس، علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی و دانشگاه امام حسین (ع) هستند. این پژوهش از نظر جهت‌گیری، بنیادی، و بر مبنای هدف‌ها، اکتشافی است. ماهیت تحقیق نیز کمی - کیفی است.

روش نمونه‌گیری تحقیق، در مرحله اول، روش گلوله برفی<sup>۱</sup> است. گلوله برفی، روشی سودمند برای مطالعه‌های کیفی و اکتشافی است. در این روش، نفر اول، شخص دوم را به پژوهشگر معرفی می‌کند و نفر بعدی نیز همین طور، و این روند ادامه می‌یابد (Balter, 2012: 60). نمونه‌گیری در این روش به شکل هدفمند و راهبردی بوده و خبرگان بر اساس هدف‌های خاص تحقیق و راهبردهای حل مسئله انتخاب شدند. در مرحله دوم، به‌منظور گردآوری آرای خبرگان برای پیاده‌سازی در فن دلفی فازی، از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده گردید.

## ۲-۴-۱. روش دلفی فازی<sup>۲</sup>

روش دلفی به‌عنوان ابزاری کارا برای تعیین موضوع‌های مهم و اولویت‌بندی توصیفی این عوامل در تصمیم‌های مدیریتی شناخته شده است. این روش، حاصل مطالعه‌هایی است که مؤسسه رند<sup>۳</sup> در دهه ۱۹۵۰ با هدف خلق روشی برای کسب اجماع بین متخصصان گروه انجام داده است (Okoli & Pawlowski, 2004: 15-21).

روش سنتی دلفی، همیشه از جهت همگرایی پایین نظرات متخصصان، هزینه اجرایی بالا و احتمال حذف نظرات برخی از خبرگان، مورد انتقاد بوده است. موری<sup>۴</sup> و

1. Snowball Sampling

2. Fuzzy Delphi

3. Rand

4. Mouri

همکاران برای بهبود روش دلفی سنتی، مفهوم یکپارچه‌سازی روش دلفی سنتی با نظریه فازی را در سال ۱۹۸۵ ارائه دادند (Hsu & Yang, 2000: 68). ایشیکاوا<sup>۱</sup> و همکاران کاربرد نظریه فازی را در روش دلفی بیشتر معرفی کردند و الگوریتم یکپارچه‌سازی فازی را توسعه دادند (Kue & Chen, 2007: 1934). سپس سو<sup>۲</sup> و یانگ<sup>۳</sup>، عدد فازی مثلثی را برای دربرگرفتن نظرات متخصصان و ایجاد روش دلفی فازی به کار بردند (Hsu & Yang, 2000: 69).

در این پژوهش، از روش دلفی فازی پیشنهادشده از سوی ایشیکاوا (۱۹۹۳) که از رایج‌ترین دلفی فازی‌های مورد استفاده در سطح بین‌المللی می‌باشد، استفاده شده است و نظرهای یازده خبره در این پژوهش لحاظ گردیده است. فرایند روش دلفی فازی، به ترتیب زیر می‌باشد:

(۱) گردآوری نظرات گروه تصمیم<sup>۴</sup> (خبرگان)؛ به این منظور از یک طیف هفت گزینه‌ای متغیرهای زبان‌شناختی<sup>۵</sup> استفاده شده است. این طیف از گزینه کاملاً نامناسب تا گزینه کاملاً مناسب، رده‌بندی گردید.

(۲) تبدیل متغیرهای کلامی به اعداد فازی مثلثی<sup>۶</sup>؛ برای تبدیل متغیرهای کلامی به اعداد فازی مثلثی از روش ارائه‌شده توسط کلیر و یوان<sup>۷</sup> (۱۹۹۵)، استفاده گردید. از آنجا که خصوصیات متفاوت افراد بر تعابیر ذهنی آنها نسبت به متغیرهای کیفی اثرگذار است، بنابراین با تعریف دامنه متغیرهای کیفی، خبرگان با ذهنیت یکسان به پرسش‌ها پاسخ داده‌اند. این متغیرها با توجه به جدول شماره ۱، به شکل اعداد فازی مثلثی تعریف شده‌اند.

- 
1. Ishikawa
  2. Hsu
  3. Yang
  4. Decision Group
  5. Linguistic Variables
  6. Triangular Fuzzy Numbers
  7. Klir & Yuan

جدول شماره ۱. اعداد فازی مثلثی متغیرهای کلامی

متغیر کلامی	عدد فازی مثلثی متناظر
کاملاً مناسب	(۹،۱۰،۱۰)
مناسب	(۷،۹،۱۰)
تا حدودی مناسب	(۵،۷،۹)
بی تأثیر	(۳،۵،۷)
تا حدودی نامناسب	(۱،۳،۵)
نامناسب	(۰،۱،۳)
کاملاً نامناسب	(۰،۰،۰)

(۳) خلق عدد فازی مثلثی  $T_{ij}$  برای هر خبره؛ در هر معیار،  $T_{ij}$  انعکاس‌دهنده

خبره موردنظر به شرح زیر است:

$$T_{ij} = (L_{ij}, M_{ij}, U_{ij})$$

که در آن

$$L_{ij} = \text{Min}\{L_{ij}\} \quad \forall j$$

$$U_{ij} = \text{Max}\{U_{ij}\} \quad \forall j$$

$$M_{ij} = \sqrt[n]{\prod_{i=1}^n M_{ij}}$$

اندیس  $i$  به خبره  $i$  و اندیس  $j$  به معیار  $j$  اشاره دارد؛ به گونه‌ای که:

$X_{ij}$  مقدار ارزیابی خبره  $i$  در معیار  $j$  است ( $i=1, 2, \dots, n, j=1, 2, \dots, m$ ).

میانگین هندسی  $M_{ij}$  در عدد فازی مثلثی، برای اشاره به اجماع گروه متخصصان در مورد هر معیار به کار رفته است. مقادیر حداکثر و حداقل نظرهای کارشناسی به‌عنوان دو نقطه پایانی اعداد فازی مثلثی استفاده می‌شود (Chang, 1998: 83). مقادیر



حداکثر و حداقل نظرات خبرگان، نماینده مناسبی برای کل دامنه تغییرات نیستند (Mikhailov, 2003: 367) و دقت محاسبه‌ها را کاهش می‌دهند. برای رفع این نقیصه در تجمیع نظر خبرگان، از میانگین هندسی مقادیر ابتدایی و انتهایی استفاده گردید (Davis, 1994: 52).

$$L_{ij} = \sqrt[n]{\prod_{i=1}^n L_{ij}}$$

$$U_{ij} = \sqrt[n]{\prod_{i=1}^n U_{ij}}$$

(۴) فازی‌زدایی کردن<sup>۱</sup>؛ از فرمول نقطه ثقل مرکزی ساده<sup>۲</sup> برای فازی‌زدایی کردن استفاده شده است.

$$S_{ij} = \frac{L_{ij} + 4M_j + U_{ij}}{6}$$

(۵) یک مقدار آستانه<sup>۳</sup>  $\alpha$  به منظور غربال نمودن عوامل نامناسب انتخاب گردید.

الف) عامل تأثیرگذار پذیرفته می‌شود، اگر:

$$S_{ij} \geq \alpha$$

ب) عامل تأثیرگذار پذیرفته نمی‌شود، اگر:

$$S_{ij} < \alpha$$

مقدار آستانه با استنباط ذهنی تصمیم‌گیرنده، معین می‌شود و به‌طور مستقیم بر روی تعداد عواملی که غربال می‌شوند، تأثیر خواهد گذاشت. هیچ راه ساده یا قانون کلی برای تعیین مقدار این آستانه وجود ندارد. چن و وانگ<sup>۴</sup>، عدد ۸ را به‌عنوان حد آستانه در نظر گرفتند. در این پژوهش نیز، عدد ۸ به‌عنوان حد آستانه در نظر گرفته شد.

1. Defuzzification
2. Simple Center of Gravity
3. Threshold Value
4. Chen & Wang

## ۲. مبانی نظری تحقیق

بر اساس دیدگاه دابینز<sup>۱</sup>، تعلق‌های ملی در چهار مؤلفه زمین‌های<sup>۲</sup> «تاریخ مشترک»، «دین مشترک»، «نژاد مشترک» و «حس میهن‌دوستی» دسته‌بندی می‌گردند. ملت‌سازی در قالب قومیت‌ها زمانی پایدار می‌گردد که مقدار آستانه این سه مؤلفه حداکثر گردد. از نظر برنمن<sup>۳</sup>، در جریان ملت‌سازی، به اقوام، نژادها و دیگر گروه‌ها، به‌مثابه سازه‌های ایجادکننده اتحادی کلان، رسمیت بخشیده می‌شود و خط‌مشی‌های چندفرهنگی که تضمین‌کننده حقوق فرهنگی، ارزشی و هنجاری اقلیت‌هاست، مشروعیت می‌یابند (Bornman, 2006: 383). چارچوب الگوی وی بر اساس مشارکت فوق‌فعال همه قومیت‌ها در جریان ملت‌سازی است (Bornman, 2006: 388).

عدم وجود ارزش‌ها، مذاهب، باورها و زبان مشترک و پافشاری هر یک از اقوام شکل‌دهنده یک ملت، برای حفظ زبان مادری و اجرای سنن و آداب باستانی خود، موجب بروز نوعی ناهمسانی و تضعیف هویت مشترک و انسجام ملی می‌شود (Kruger, 1998 & Aguwa, 1997: 335-51). کروگر و آگوا، شش مؤلفه «زبان غیرمشترک»، «قوم‌گرایی بالا»، «تبار غیرمشترک»، «تحریک‌های کشورهای همجوار»، «انزوای سیاسی و اجتماعی» و «محرومیت نسبی اقتصادی، بهداشتی و آموزشی» را به‌منزله عوامل واگرایی قومیت‌ها در جریان ملت‌سازی شناسایی کردند. اسکات و دیویس در حوزه مدیریتی اقوام، عوامل گوناگونی را مانع دستیابی به اجماع و اتفاق نظر عمومی می‌دانند. از نظر آنها شیوع تبعیض و نابرابری، یکی از مخرب‌ترین و مهم‌ترین عوامل است. به این ترتیب، تشکیل ملت به جای ایجاد هم‌نیروزی، نوعی نیروی دافعه و هم‌نیروگاهی<sup>۴</sup> را به نظام اجتماعی تحمیل می‌کند (Scott & Davis, 2007: 101).

1. Dobbins
2. Context
3. Bornman
4. Negative Synergy

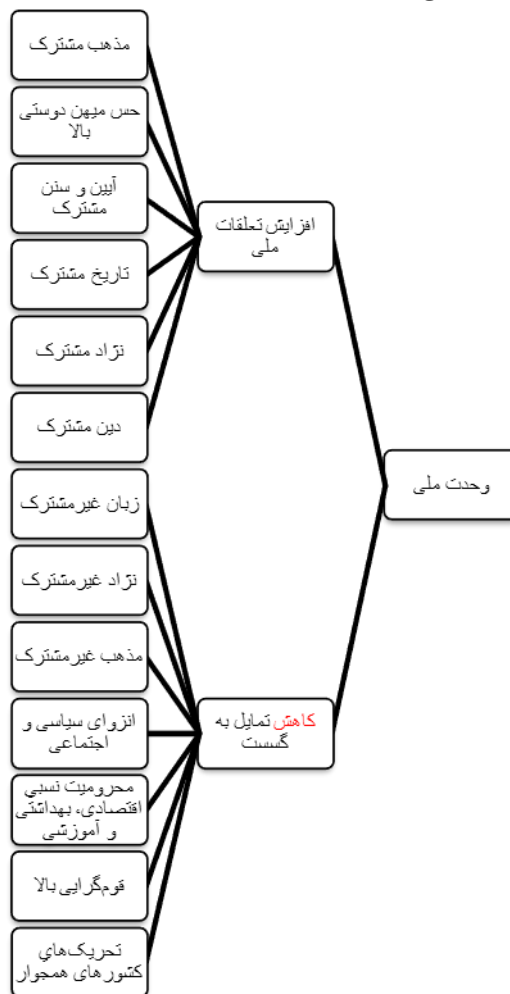
بندیکس<sup>۱</sup> از ملت‌سازی قوم‌ها برای توصیف همگرایی وسیع بین دولت و جامعه استفاده می‌کند. از نظر وی، ملت‌سازی قوم‌ها برای همه ملل به یک شکل نیست (Bendix, 1977: 86). بنابراین پژوهشگران، نظرات متفاوتی در رابطه با عوامل مؤثر بر ملت‌سازی مطرح کرده‌اند. تلاش برای توسعه ملت بر مبنای فرهنگ و مجموعه ارزشی خاص که در یک جامعه نامتجانس و متکثر مقبولیت همگانی دارد، یکی از راه‌حل‌های ارائه شده است (Liebenberg & Venter, 1999: 22-38). همچنین می‌توان ضمن احترام به باورها، ارزش‌ها و سنن گروه‌های تابعه‌ای که در مرزهای محصور یک کشور زندگی و فعالیت می‌کنند، هدفی واحد را سرلوحه عمل همه اتباع آن سرزمین و ملت قرار داد و با در نظر گرفتن مفهوم ملت - دولت و ملحق‌های آن، از طریق ملی‌سازی اقوام، به انسجام و وحدت ملی دست یافت. زبان نیز در تعیین مشخصه‌های هویت ملی و اتحاد همگانی اقوام، نقشی اساسی ایفا می‌کند. در واقع برای درک تعارض‌ها و اشتراک‌ها، وجود زبانی واحد که مشکلات ارتباطی و تعاملی را رفع کرده و از مقوله‌ای واحد، مفهومی واحد را به اذهان عامه متبادر کند، ضروری است، شاید بتوان وجود زبان مشترک را مقدمه هماهنگی و عزم ملی برای تحقق هدف و چشم‌انداز مشترک دانست (Caviedes, 2003: 249-68; Hailemariam, et al, 1999: 475-93).

کاویدز، چارچوب الگوی تعلق‌های ملی خود را بر اساس زبان مشترک قرار داده است (Caviedes, 2003: 249). هیلیماریام، زبان را به‌منزله مهم‌ترین عامل واگرایی شناسایی و در رأس هرم خود جای می‌دهد (Hailemariam, et al, 1999: 475).

هر یک از این مؤلفه‌ها، در برخی از سطوح عملیات ملت‌سازی، نقشی اثرگذار دارند و وجود هر یک، این نوید را می‌دهد که می‌توان برای حصول به رسالت‌ها و هدف‌های آتی، به هم‌افزایی بیشتری امیدوار بود. با استناد به برخی از الگوهای پرمحتوای موجود در حوزه راهبرد فوق‌فعال ملت‌سازی و تعاریف ارزشی و مفهومی

آن، عوامل زیر به‌مثابه تعلق‌های ملی و تمایل به واگرایی در نظر گرفته می‌شوند (Dobbins, 2003: 94; Kruger & Aguwa, 1997: 338). با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد ج.ا. ایران و آرای خبرگان، عامل مذهب نیز به این فهرست اضافه گردید.

شکل شماره ۱. منابع بالقوه تعلق‌های ملی و تمایل به واگرایی در بین اقوام ایرانی



### ۳. تنوع قومی در ایران

افزون بر قومیت اصلی فارسی‌زبان ایرانی، دست‌کم ده قوم دیگر با زبان‌ها و گویش‌های متفاوت در این کشور حضور دارند (یوردشاهیان، ۱۳۸۷: ۱۵) که از جمله آنان می‌توان به اقوام آذری، گُرد، لر، عرب، بلوچ، ترکمن، گیلک، تالش و اقوام مختلط اشاره کرد. همچنین می‌توان از اقلیت‌های دینی ارامنه، آشوری، یهودی، زرتشتی و مذاهب متفاوت اسلامی اسماعیلی، هفت امامی، شیعه جعفری، دوازده امامی و سنی حنبلی، شافعی یا حنفی نام بُرد (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۱۶۲).

سرزمین ایران از نظر تنوع زبانی و قومی در جهان، با ۲۴ درصد همانندی در رتبه شانزدهم قرار می‌گیرد؛ در حالی که تانزانیا با ۷ درصد همانندی در رتبه اول تنوع زبانی و قومی است و کشورهای کره شمالی و جنوبی، با ۱۰۰ درصد همانندی، در رتبه آخر قرار می‌گیرند (افتخاری، ۱۳۷۷: ۶۰-۲۷). در ایران، اگرچه فارسی‌زبانان حدود ۶۰ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند، اما وجود اقوام دیگر در درون این واحد ملی و تأثیرهای شگرف آنها بر سیر تحولات تاریخی و اجتماعی، واقعیتی انکارناپذیر است (مینایی و زهدی، پاییز ۱۳۹۱: ۸۶-۸۵).

#### ۳-۱. قوم آذری

آذری‌ها بزرگ‌ترین اقلیت قومی در ایران هستند که چهار استان اردبیل، زنجان و آذربایجان شرقی و غربی، حوزه اصلی سکونت آنهاست که در مقایسه با منطقه محل سکونت اقوام بلوچ و گُرد، منطقه بزرگی محسوب می‌شود. البته آذری‌ها در مناطقی مانند همدان، قزوین، شمال خراسان، استان مرکزی، فارس و گیلان نیز پراکنده‌اند. با توجه به وضعیت به نسبت خوب اقتصادی منطقه، مسائل مادی نقش کم‌رنگ‌تری در شکل‌گیری مسائل قومی این منطقه دارد. آذری‌ها از حس ملی‌گرایی بالایی نسبت به ایران برخوردارند (مرشدی‌زاد، ۱۳۸۴: ۱).

## ۲-۳. قوم گُرد

گُردها بیشتر در آذربایجان غربی، کرمانشاه، همدان، کردستان و شمال خراسان ساکن هستند و ضریب پراکندگی کمتری نسبت به آذری‌ها دارند (ساجدی و امجدیان، بهار ۱۳۹۰: ۷۲).

این قوم، مشکلاتی دارد، از جمله این آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) تمرکز جمعیتی در یک منطقه کوچک و مشخص،

(۲) امکانات اندک اقتصادی، بهداشتی و آموزشی،

(۳) موقعیت جغرافیایی و وضعیت خاص کوه‌ها و راه‌ها در این منطقه،

(۴) انزوای سیاسی و حضور کم‌رنگ نخبگان سیاسی اجتماعی این منطقه در نظام

اداری کشور،

(۵) مذهب تسنن و ملاحظه‌های مذهبی مردم این منطقه در مقایسه با اکثریت شیعه

کشور،

(۶) ملاحظه‌های منطقه‌ای و تمرکز جمعیت گُرد در شمال عراق، جنوب شرق ترکیه

و شرق سوریه،

(۷) زبان گُردی (جعفریگی، ۱۳۸۳: ۱۸۸؛ کریمی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۳۵).

## ۳-۳. قوم لُر

لرهای ایران تا حدود قرن ششم به علت نداشتن اتحاد و انسجام، تحت سلطه سلجوقیان یا خلفای عباسی بودند، ولی با ضعف قدرت مرکزی خودمختاری یافتند و به تأسیس «لر بزرگ» (بختیاری و کهکیلویه و بویر احمد) و «لر کوچک» (لرستان کنونی و ایلام) دست زدند (رحیمی، ۱۳۸۶: ۱۲۸). این قوم از اقتدار حکمرانی و سابقه خوبی برخوردار بوده و توانسته است حمله‌های تیمور لنگ و ترکمانان را پشت سر بگذارد.

#### ۳-۴. قوم بلوچ

بیشتر بلوچ‌ها که در استان سیستان و بلوچستان، ساکنند، سنی مذهب بوده و همجواری آنها با بلوچ‌های پاکستان و افغانستان تأثیر بسزایی در ظهور گرایش‌های سیاسی گریز از مرکز در میان آنها دارد (حسینی، تیر و مرداد ۱۳۸۵: ۶). به نظر می‌رسد که بیشترین قوم‌مداری از آن قوم بلوچ است (یوسفی و اصغرپور ماسوله، ۱۳۸۸: ۱۲۵). همجواری این استان با پاکستان و مشکلات اقتصادی در منطقه می‌تواند در فعال‌سازی تمایل به گریز از مرکز در این منطقه مؤثر باشد (کریمی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۳۵)، هر چند از لحاظ نژادی، زبانی و فرهنگی، مردم این منطقه، ایرانی هستند، اما در بین قوم بلوچ نیروهای منطقه‌ای، همواره عامل ایجاد بحران بوده‌اند (افتخاری، ۱۳۷۷: ۶۰-۲۷؛ قیصری، ۱۳۷۷: ۸۴-۴۹).

#### ۳-۵. قوم عرب

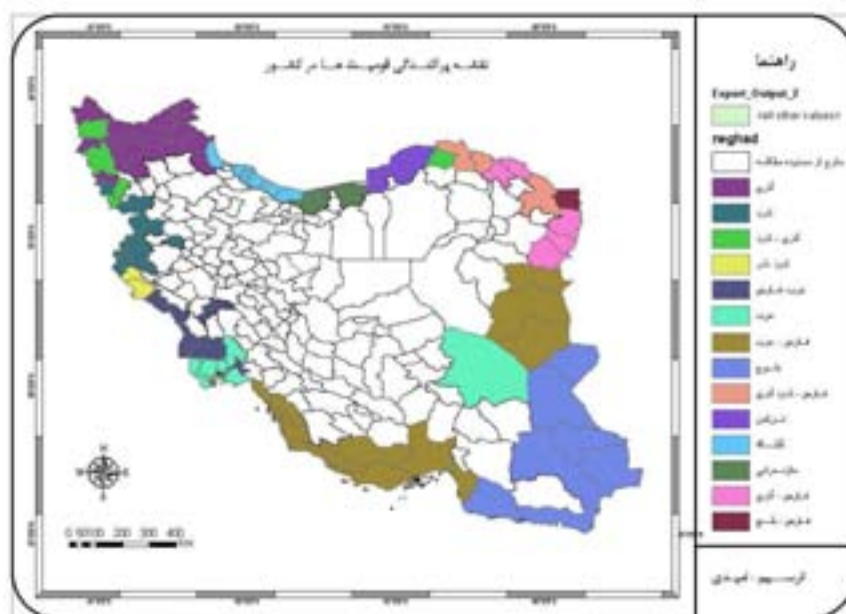
عرب‌ها در کنار بختیاری‌ها، دزفولی‌ها، شوشتری‌ها و بهبهانی‌ها از ساکنان منطقه جنوب غربی ایران به حساب می‌آیند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۷۱-۱۶۸). وقوع انقلاب اسلامی و فضای انقلابی آن، موجب طرح گرایش‌های ملی‌گرایی عربی و گسترش آن گردید، ولی بروز جنگ تحمیلی و افزایش تمایل به انسجام ملی در اثر آن و نیز بهبود وضعیت اقتصادی اعراب منطقه و تعلق‌های دینی آنها موجب کاهش تمایل آنان به فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه شده است. از جمله زمینه‌های بسترساز بروز مشکل در این قوم می‌توان به:

- (۱) همجواری با اعراب عراق، کویت، و عربستان با در نظر گرفتن اصل گرایش اقلیت به اکثریت،
- (۲) عدم بازگشت اعراب سرمایه‌دار به خوزستان پس از جنگ تحمیلی و تضعیف وضع اقتصادی جمعیت ساکن در منطقه،
- (۳) مشکلات ناشی از جنگ و بیکاری در مقایسه با وضعیت اقتصادی خوب اعراب کشورهای همجوار، اشاره کرد (کریمی‌پور، ۱۳۸۱: ۱۳۵).

## ۳-۶. قوم ترکمن

ترکمن‌ها شاخه‌ای از ترکان آسیای میانه هستند که از عهد قدیم در صحراهای وسیع بخش سفلی رود سیحون و بین دریای آرال به زندگی کوچ‌نشینی روزگار می‌گذرانند. تا حدود قرن هفتم میلادی، ترکمن‌ها جزیری از قوم بزرگ تُرک بودند. مراکز عمده سکونت ترکمن‌ها عبارتند از: ترکمنستان، ایران، افغانستان، عراق، ترکیه، اردن، سوریه، تاجیکستان، روسیه، ازبکستان و چین (رحیمی، ۱۳۸۹: ۱۳۱). ایران یکی از مراکز عمده اسکان ترکمن‌هاست. ترکمن‌های ایران بیشتر در جنوب شرقی دریای خزر و در ترکمن صحرا سکونت دارند. از لحاظ استانی، سکونت‌گاه‌های آنها در استان‌های گلستان، خراسان رضوی، تربت جام و خراسان شمالی پراکنده است (حسینی و فدوی، ۱۳۸۸: ۱۵۱). هر چند در این قوم، دعوی ملی‌گرایی ترکمن مطرح نشده است، ولی شورش‌های مستمری علیه دولت مرکزی حادث شده است (عسگری و شریف‌کمالی، ۱۳۷۴: ۶۰-۵۰).

نقشه شماره ۱. پراکندگی قومیت‌ها در کشور





## ۴. یافته‌ها

در پژوهش حاضر، پژوهشگران تلاش کرده‌اند تا این مؤلفه را با مراجعه به خبرگان و استفاده از تکنیک دلفی با رویکرد فازی، در هفت قوم فوق‌الذکر مورد سنجش قرار دهند و این فرایند را تا حدی ادامه دهند که اجماع نظر نسبی خبرگان، درباره گزاره‌های عقلانی طراحی شده، حاصل شود. پس از گردآوری آرای خبرگان و انجام فراگرد دلفی فازی، در نهایت، اجماع حاصل شد و نتایج به شرح جدول شماره دو به دست آمد.

جدول شماره ۲. میانگین آرای خبرگان در پرسشنامه نهایی

میانگین هندسی حد پایین عدد مثلثی فازی (L <sub>F</sub> )	میانگین هندسی حد بالا عدد مثلثی فازی (M <sub>F</sub> )	میانگین هندسی حد بالا عدد مثلثی فازی (U <sub>F</sub> )	شاخص	منابع بالقوه، تعلق‌های ملی یا اتصال به واگرایی	قوم	میانگین هندسی حد پایین عدد مثلثی فازی (L <sub>F</sub> )	میانگین هندسی حد وسط عدد مثلثی فازی (M <sub>F</sub> )	میانگین هندسی حد بالا عدد مثلثی فازی (U <sub>F</sub> )	شاخص	منابع بالقوه، تعلق‌های ملی یا اتصال به واگرایی	قوم	
۸۰۰۱	۹۰۵۴۱	۸۰۱۴۲	حسن مبین دوستی بالا	تعلق‌های ملی	قوم کرد	۹۰۳۵۹	۹۰۹۴۷	۹۰۷۳۷	حسن مبین دوستی بالا	تعلق‌های ملی	قوم آذری	
۴۰۵۲۰	۶۰۵۹۵	۴۰۵۹۶	مذهب مشترک			۹۰۵۵۷	۹۰۹۹۸	۹۰۷۲۹	۸۰۴۳۱			مذهب مشترک
۹۰۵۱۹	۹۰۹۹۸	۹۰۶۹۱	دین مشترک			۹۰۳۶۸	۹۰۹۹۸	۹۰۵۴۱	۸۰۰۴۷			دین مشترک
۸۰۴۴۵	۹۰۳۹۳	۸۰۸۴۵	نژاد مشترک			۲۰۴۶۹	۴۰۲۹۷	۲۰۱۶۶	۱۰۸۵۴			نژاد مشترک
۸۰۸۷۶	۹۰۸۸۲	۹۰۰۲۸	تاریخ مشترک			۶۰۱۸۵	۸۰۰۴۷	۶۰۳۱۹	۳۰۷۸۸			تاریخ مشترک
۸۰۳۰۶	۸۰۹۹۵	۸۰۳۳۵	آیین و سنن مشترک			۵۰۹۲۱	۷۰۳۷۸	۶۰۰۰۲	۴۰۱۴			آیین و سنن مشترک
۸۰۰۰۱	۹۰۵۴۱	۸۰۱۴۲	زبان غیر مشترک			۸۰۶۹۶	۹۰۴۳۱	۸۰۹۰۹	۷۰۱۰۷			زبان غیر مشترک
۹۰۷۰۷	۹۰۹۹۸	۹۰۸۴۳	تحریک‌های کشورهای همجوار	۸۰۷۶۲	۹۰۶۹۱	۸۰۹۶۶	۷۰۰۱۸	تحریک‌های کشورهای همجوار	عوامل واگرایی			
۹۰۵۵۷	۹۰۹۹۸	۹۰۷۲۹	قوم‌گرایی بالا	۸۰۶۶۶	۹۰۸۴۳	۸۰۵۴۷	۷۰۷۲۸	قوم‌گرایی بالا				

ادامه جدول شماره ۲

عدد فازی زدایی شده (S <sub>i</sub> )	میانگین هندسی حد پایین عدد منطقی فازی (L <sub>ij</sub> )	میانگین هندسی حد وسط عدد منطقی فازی (M <sub>ij</sub> )	میانگین هندسی حد بالا عدد منطقی فازی (U <sub>ij</sub> )	شاخص	منابع با قوه‌تعلقی‌های ملی یا مشابه به واگرایی	قوم	عدد فازی زدایی شده (S <sub>i</sub> )	میانگین هندسی حد پایین عدد منطقی فازی (L <sub>ij</sub> )	میانگین هندسی حد وسط عدد منطقی فازی (M <sub>ij</sub> )	میانگین هندسی حد بالا عدد منطقی فازی (U <sub>ij</sub> )	شاخص	منابع با قوه‌تعلقی‌های ملی یا مشابه به واگرایی	قوم
۹.۶۷۳	۹.۹۹۸	۹.۸۴۳	۸.۶۶۹	محرومیت نسبی اقتصادی، بهداشتی و آموزشی			۱.۸۸۲	۲.۹۷۷	۱.۸۵۶	۰.۸۷۶	محرومیت نسبی اقتصادی، بهداشتی و آموزشی		
۹.۵۱۹	۹.۹۹۸	۹.۶۹۱	۸.۳۵۳	لزوای سیاسی و اجتماعی			۱.۸۰۵	۲.۷۵۹	۱.۸۷۶	۰.۵۶۹	لزوای سیاسی و اجتماعی		
۶.۵۲۲	۸.۴۷۶	۶.۵۸۹	۴.۲۹۸	مذهب غیرمشترک			۲.۸۳۲	۳.۹۷۰	۲.۷۸۶	۱.۸۸۰	مذهب غیرمشترک		
۲.۶۶۸	۳.۹۶۹	۲.۷۸۶	۰.۸۹۷	نژاد غیرمشترک			۶.۲۲۳	۸.۰۱۶	۶.۳۵۹	۳.۸۸۳	نژاد غیرمشترک		
۸.۷۸۵	۹.۶۴۷	۸.۷۷۷	۷.۹۹۸	حسن همین دوستی بالا			۸.۳۰۳	۹.۵۴۱	۸.۴۰۰	۶.۶۷۶	حسن همین دوستی بالا		
۹.۲۵۷	۹.۹۹۸	۹.۴۳۰	۷.۸۶۶	مذهب مشترک			۱.۸۹۳	۳.۹۸۴	۱.۸۴۱	۰.۰۰۹	مذهب مشترک		
۹.۰۷۶	۹.۹۹۸	۹.۲۴۷	۷.۴۷۰	دین مشترک			۸.۴۰۸	۹.۵۷۸	۸.۵۱۲	۶.۸۳۳	دین مشترک		
۸.۹۳۵	۹.۹۹۸	۹.۱۰۴	۷.۱۹۷	نژاد مشترک			۱.۸۹۳	۳.۹۸۴	۱.۸۴۱	۰.۰۰۹	نژاد مشترک		
۸.۷۶۴	۹.۳۳۵	۸.۹۴۷	۷.۴۷۰	تاریخ مشترک			۵.۳۸۸	۷.۴۶۸	۵.۴۴۴	۳.۰۸۲	تاریخ مشترک		
۸.۸۳۲	۹.۹۹۸	۸.۹۹۸	۶.۹۹۹	آیین و سنن مشترک			۳.۳۸۸	۵.۴۵۴	۳.۴۰۱	۱.۳۶۹	آیین و سنن مشترک		
۳.۱۸۴	۵.۴۶۱	۳.۲۶۵	۰.۵۷۹	زبان غیرمشترک			۸.۰۵۱	۹.۵۴۱	۸.۱۴۲	۶.۱۹۷	زبان غیرمشترک		
۰.۹۳۵	۱.۷۶۹	۰.۹۵۷	۰.۰۱۰	تحریک‌های کشورهای همجوار			۸.۴۳۳	۹.۵۴۱	۸.۵۳۲	۶.۹۳۰	تحریک‌های کشورهای همجوار		
۲.۹۹۴	۵.۲۴۵	۲.۹۳۲	۰.۹۸۸	قوم‌گرایی بالا			۸.۹۳۸	۹.۸۴۳	۹.۰۸۵	۷.۴۴۵	قوم‌گرایی بالا		
							تعلقی‌های ملی	قوم بلوچ					
					عوامل واگرایی	قوم بلوچ							



ادامه جدول شماره ۲

عدد فازی زدایی شده ( $S_{ij}$ )	میانگین هندسی حد پایین عدد منتهی فازی ( $L_{ij}$ )	میانگین هندسی حد وسط عدد منتهی فازی ( $M_{ij}$ )	میانگین هندسی حد بالا عدد منتهی فازی ( $U_{ij}$ )	شاخص	منابع بالقوه تعلق‌های ملی یا جمایل به واگرایی	قوم فارس
۹.۳۰۴	۹.۷۸۳	۹.۲۷۶	۸.۹۳۸	حس مین دوستی بالا	تعلق‌های ملی	
۹.۶۰۹	۹.۹۸۳	۹.۷۱۵	۸.۸۱۱	مذهب مشترک		
۹.۴۶۴	۹.۷۳۹	۹.۶۷۶	۸.۳۳۸	دین مشترک		
۸.۷۱۸	۹.۶۷۶	۸.۸۴۱	۷.۳۶۹	زاد مشترک		
۹.۲۱۶	۹.۵۸۳	۹.۱۸۲	۸.۹۸۴	تاریخ مشترک		
۸.۲۱۷	۹.۱۱۰	۸.۱۳۱	۷.۶۶۹	آیین و سنن مشترک	عوامل واگرایی	
۰.۵۵۵	۰.۹۶۴	۰.۵۷۳	۰.۰۷۴	زبان غیر مشترک		
۷.۸۲۴	۹.۵۷۴	۷.۷۸۴	۶.۲۳۶	تحریکات کشورهای همجوار		
۵.۳۱۷	۶.۲۲۲	۵.۵۲۰	۳.۴۳۹	قوم‌گرایی بالا		
۰.۴۸۴	۱.۳۳۸	۰.۳۷۲	۰.۰۷۴	محرومیت نسبی اقتصادی، بهداشتی و آموزشی		
۰.۳۳۳	۱.۴۴۹	۰.۱۲۱	۰.۰۰۸	انزوای سیاسی و اجتماعی		
۱.۴۸۲	۳.۴۴۹	۱.۲۲۱	۰.۵۶۰	مذهب غیر مشترک		

میانگین فازی زدایی شده ( $S_{ij}$ ) عواملی که از عدد آستانه (۸) بزرگ‌تر هستند، به‌مثابه شاخص‌های تعلق‌های ملی یا عامل واگرایی شناسایی می‌شوند. جدول شماره ۳، تعلق‌های ملی و عوامل واگرایی را به تفکیک هر قوم نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳. تعلق‌های ملی و عوامل واگرایی به تفکیک هر قوم

نام قوم	اولویت‌بندی توصیفی تعلق‌های ملی	اولویت‌بندی توصیفی عوامل واگرایی
آذری	۱. مذهب مشترک ۲. دین مشترک ۳. حسن میهن‌دوستی بالا	۱. تحریک‌های کشورهای همجوار ۲. زبان غیرمشترک ۳. قوم‌گرایی بالا
کرد	۱. دین مشترک ۲. تاریخ مشترک ۳. نژاد مشترک ۴. آیین و سنن مشترک ۵. حسن میهن‌دوستی بالا	۱. تحریک‌های کشورهای همجوار ۲. محرومیت نسبی اقتصادی، بهداشتی و آموزشی ۳. قوم‌گرایی بالا ۴. انزوای سیاسی و اجتماعی ۵. زبان غیرمشترک
بلوچ	۱. دین مشترک ۲. حسن میهن‌دوستی بالا	۱. انزوای سیاسی و اجتماعی ۲. نژاد غیرمشترک ۳. قوم‌گرایی بالا ۴. تحریک‌های کشورهای همجوار ۵. محرومیت نسبی اقتصادی، بهداشتی و آموزشی ۶. مذهب غیرمشترک ۷. زبان غیرمشترک
لر	۱. مذهب مشترک ۲. دین مشترک ۳. نژاد مشترک ۴. آیین و سنن مشترک ۵. حسن میهن‌دوستی بالا ۶. تاریخ مشترک	
عرب	۱. دین مشترک ۲. حسن میهن‌دوستی بالا	۱. تحریک‌های کشورهای همجوار ۲. قوم‌گرایی بالا ۳. محرومیت نسبی اقتصادی، بهداشتی و آموزشی ۴. انزوای سیاسی و اجتماعی ۵. نژاد غیرمشترک ۶. زبان غیرمشترک ۷. مذهب غیرمشترک
ترکمن	۱. دین مشترک ۲. حسن میهن‌دوستی بالا	۱. تحریک‌های کشورهای همجوار ۲. انزوای سیاسی و اجتماعی ۳. محرومیت نسبی اقتصادی، بهداشتی و آموزشی ۴. قوم‌گرایی بالا ۵. مذهب غیرمشترک ۶. نژاد غیرمشترک ۷. زبان غیرمشترک
فارس	۱. مذهب مشترک ۲. دین مشترک ۳. حسن میهن‌دوستی بالا ۴. تاریخ مشترک ۵. نژاد مشترک ۶. آیین و سنن مشترک	

این جدول را می‌توان به پیروان مذاهب و فرقه‌ها نیز تسری داد و اطلاعات آنها را نیز به جدول یادشده افزود، ولی نکته مهم، اطلاعات این جدول نیست، بلکه چگونگی مواجهه با محتوای آن است. ضمن اینکه باید توجه داشت تقویت نیروهای موجد انسجام ملی در مورد هر قوم و در کل کشور مستلزم پیگیری رویکرد فوق‌فعال در مدیریت قومیت‌ها و امنیت ملی است.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

شیوه برخورد با مقوله تنوع قومی ممکن است منجر به بروز بحران قومی یا تسریع روند توسعه هم‌افزا و همگرا در کشور گردد. ایران، کشوری با تنوع و چندگونی قومی و فرهنگی است که به طور طبیعی هر یک از این قومیت‌ها، ظرفیت قابل توجهی برای ادغام در مصالح ملی، مشارکت سیاسی و حفظ و حراست از کشور دارند که نظام خط‌مشی‌گذاری مرکزی کشور باید به این مهم توجه کرده و به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی نماید که در تحلیل میدان نیرو، این تعلق‌های به‌مثابه عوامل بازدارنده از واگرایی ظاهر شوند. بر این مبنا، توجه به نکات زیر حائز اهمیت است:

(۱) دو مؤلفه «دین مشترک» و «حس میهن‌دوستی بالا» در بین تعلق‌های ملی همه قومیت‌ها دیده می‌شود، بنابراین می‌توان در فراگرد ملت‌سازی پایدار، این دو عامل را به‌مثابه عوامل هم‌افزای مشترک بین تمام قوم‌ها در نظر گرفت.

(۲) در قوم‌هایی که دو عامل «دین مشترک» و «مذهب مشترک» جزو تعلق‌های ملی دسته‌بندی شده‌اند، همواره عامل «مذهب مشترک»، در رتبه‌ای بالاتر از دین مشترک قرار گرفته است. در امتداد این تحلیل، چنین به نظر می‌رسد که عامل «مذهب مشترک»، تأثیر بیشتری بر تحلیل میدان نیروی همبستگی در درون یک قوم دارد.

(۳) برخلاف تبلیغات کشورهای غربی که مذهب را اصلی‌ترین عامل واگرایی در ایران القا می‌کنند، نمی‌توان این عامل را به‌منزله مؤلفه واگرایی در سراسر ایران در نظر گرفت. قابل توجه است که تعداد رزمندگان داوطلب و شهدای پیروان سایر مذاهب در جریان جنگ تحمیلی نیز حاکی از تعلق خاطر ویژه بسیاری از آنان به هویت ملی و شرافت ایران است، بنابراین، تنوع مذهب را نمی‌توان فقط محدودیت یا فرصت تلقی کرد. به‌عبارتی برنامه‌ریزی درباره این مهم باید با توجه به مجموعه متنوعی از عوامل و متغیرها انجام شود. از این‌رو، آزادی معقول و در حد مطلوب اقوام از نظر مذهب، از سوءاستفاده‌های احتمالی نیروهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جلوگیری می‌کند.

(۴) با استناد به آرای خبرگان، عوامل مشترک تعلق‌های ملی در سه قوم بلوچ، ترکمن و عرب، کم است. نظام خط‌مشی‌گذاری مرکزی کشور باید به این مهم توجه کرده و به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی نماید که در تحلیل میدان نیرو، این تعلق‌ها به‌مثابه عوامل بازدارنده از واگرایی ظاهر شوند. به نظر می‌رسد که تعریف قواعد اجماع ملی و تلاش برای توسعه متوازن و توزیع عادلانه ثروت، از مهم‌ترین راهکارهای اداره این وضعیت است.

(۵) قوم‌های فارس و لر، همه عوامل تعلق‌های ملی را با حد نصابی بالا دارا هستند. به نظر می‌رسد در تحلیل میدان نیروی عوامل هم‌افزا، این دو قوم، در مناسب‌ترین وضعیت قرار دارند.

(۶) در تعلق‌های ملی، سه عامل «نژاد مشترک»، «تاریخ مشترک» و «آیین و سنن مشترک» همبستگی بسیار بالایی دارند؛ به‌گونه‌ای که برای هر قومیت، یا هر سه این عوامل به‌عنوان تعلق‌های ملی به شمار آمده است، یا هیچ‌کدام از سه عامل، حائز رتبه آستانه نشده‌اند. در این امتداد به نظر می‌رسد که نژاد مشترک، سبب تاریخ مشترک گردیده و تاریخ مشترک، آیین و سنن مشترک را نتیجه می‌دهد. البته در بین قومیت‌های گوناگون، رتبه‌بندی‌های گوناگونی از این سه عامل مشاهده شد. در میان قومیت کُرد، این سه مؤلفه از امتیاز بالایی برخوردارند؛ بنابراین به نظر می‌رسد که دولت مرکزی می‌تواند از این سه مؤلفه به‌منظور حداکثر کردن تعلق‌های ملی استفاده کند.

(۷) رابطه معنی‌داری بین محل سکونت جغرافیایی قومیت‌ها و تعلق‌های ملی آنها مشاهده نشد. البته با توجه به نتایج پژوهش، به نظر می‌رسد رابطه معنی‌داری بین مناطق مرزی و عوامل واگرایی وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که هر چه از نقاط مرزی به سمت مرکز کشور حرکت شود، تعداد عوامل واگرایی کمتر می‌گردد.

(۸) در قوم‌های فارس و لر، هیچ عامل واگرایی مشاهده نشد. با توجه به این نکته که این دو قوم بیشترین تعداد عوامل تعلق‌های ملی را نیز کسب کرده‌اند نظام

خط‌مشی‌گذاری کلان کشور در راستای مأموریت حفظ تمامیت ارضی، کمترین نگرانی را از جانب این دو قوم دارد.

(۹) در بین همه اقوام، به استثنای دو قوم فارس و لر، سه عامل واگرایی «زبان غیرمشترک»، «تحریک‌های کشورهای همجوار»، «قوم‌گرایی بالا» مشاهده می‌شوند. با توجه به اشتراک این سه عامل در بین پنج قوم و فراگیر بودن این عوامل در کل کشور، دولت باید برنامه‌های ویژه‌ای را برای واپایش این سه عامل در دستورکار خود قرار دهد. هر یک از این اقوام در طول تاریخ به صلاحیت‌های ویژه‌ای دست یافته‌اند که ادغام آنها در سطح ملی، کشور را از توان راهبردی زیادی بهره‌مند می‌سازد. تلاش برای تبدیل این شرایط به فرصت از طریق راهبردهای متنوعی امکان‌پذیر است، از آن جمله می‌توان به راهبردهایی مانند توسعه عدالت اجتماعی، افزایش طرح‌های توسعه بین‌منطقه‌ای میان صاحبان منافع از اقوام گوناگون، افزایش سطح مشارکت، ادغام سیاسی اقوام گوناگون و اولویت‌بندی منافع عامه در طرح خط‌مشی‌گذاری عمومی جامعه اشاره کرد.

(۱۰) با توجه به رتبه و جایگاه عامل «تحریک‌های کشورهای همجوار»، به نظر می‌رسد که این عامل، مهم‌ترین عامل واگرایی در بین قومیت‌های ایرانی به‌شمار می‌آید. البته دولت مرکزی می‌تواند با زمینه‌سازی فرهنگی مناسب، احساس ملی‌گرایی در برابر منطقه‌گرایی را تقویت کرده و راهبرد فوق‌فعال پیشگیرانه را سرلوحه کار خود قرار دهد.

(۱۱) برای تقویت هویت ملی در برابر هویت قومی، در سیاست داخلی، دولت باید با اتخاذ خط‌مشی مدبرانه، حضور قومیت‌های گوناگون در مدیریت‌های ملی و مشارکت مردم محلی در امور منطقه را افزایش دهد تا از این طریق ضمن ایجاد اعتماد و تقویت همگرایی، همبستگی ملی جایگزین همبستگی محلی گردد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تعدد قومی در ایران، نه تنها تضعیف‌کننده امنیت ملی نبوده، بلکه قوام‌بخش و تداوم‌دهنده هویت کشور ایران بوده و گروه‌های متنوع قومی جزئی از هویت و شاکله ایران به‌شمار می‌آیند.



## منابع و مآخذ

## ۱. منابع فارسی

۱. احمدی‌پور، زهرا، طهمورث حیدری موصلو، طیبه حیدری موصلو (۱۳۸۹)، تحلیل قومیت و هویت قومی در ایران؛ جهت امنیت پایدار، *فصلنامه انتظام اجتماعی*، ۲ (۱).
۲. افتخاری، اصغر (۱۳۷۷)، ظرفیت طبیعی امنیت، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۲.
۳. الطائی، علی (۱۳۸۲)، *بحران هویت قومی در ایران*، تهران، نشر شادگان.
۴. امیدی، علی (۱۳۸۵)، تأثیر ژئوپلیتیک در رخوت همگرایی اکو و بالندگی آ. سه. آن، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۲ (۱).
۵. جعفریگی، خسرو (۱۳۸۳)، *مردم شناسی قوم کرد*. بی‌جا، زانبار.
۶. چوخاچی زاده مقدم، محمدباقر، داوود امینی قشلاقی (۱۳۸۹)، بسترهای ایجاد ناامنی در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی از منظر جغرافیای نظامی - امنیتی، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۶.
۷. حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران، انتشارات سمت.
۸. حسنی، غلامرضا و جمیله فدوی (۱۳۸۸)، روند و فرایند تحولات تاریخی ساختار فرهنگی - اجتماعی اقوام ایرانی با تأکید بر قوم ترکمن، *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، سال سوم، شماره ۱.
۹. حسینی، محمود (تیر و مرداد ۱۳۸۵)، سیستان و بلوچستان: نامی‌ها و ریشه‌ها، *دوماهنامه راهبرد چشم‌انداز ایران*.
۱۰. ساجدی، امیر و فرامرز امجدیان (بهار ۱۳۹۰)، تأثیر فدرالیسم کردستان عراق بر هنجارهای سیاسی و قومیتی کردهای ایران، *دانشنامه علوم سیاسی*، ۸۰.
۱۱. عسگری، اصغر و محمد شریف کمالی (۱۳۷۴)، *ایرانیان ترکمن*، تهران، انتشارات اساطیر.
۱۲. کریمی‌پور، یدالله (۱۳۸۱)، *مقدمه‌ای بر تقسیمات کشوری ایران*، تهران، انجمن جغرافیایی ایران.
۱۳. مرشدی‌زاد، علی (۱۳۸۴)، *روشنفکران آذری و هویت ملی و قومی*، تهران، نشر مرکز.
۱۴. مینایی، حسین و یعقوب زهدی (پاییز ۱۳۹۱)، بررسی میزان انسجام اجتماعی و تغییرات جمعیتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال دهم، شماره ۳۹.
۱۵. نقیب‌السادات، سیدرضا. امیر حیات مقدم و امیر مقدسی (زمستان ۱۳۹۱)، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال دهم، شماره ۴۰.
۱۶. یوردشاهیان، اسماعیل (۱۳۸۷)، *تبارشناسی قومی و حیات ملی*، تهران، فرزانه روز.
۱۷. یوسفی، علی و احمدرضا اصغرپور ماسوله (۱۳۸۸)، قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران، *دانشنامه علوم اجتماعی*، ۴.

## ۲. منابع انگلیسی

1. Aguwa, Jude C (1997), Religious Conflict in Nigeria: Impact on Nation Building, *Dialectical Anthropology*, 22.
2. Bendix, Reinhard (1977), *Nation-building and Citizenship*, California, University of California Press.
3. Bornman, Elirea (2006), National Symbols and Nation-building in the Post –apartheid South Africa, *International Journal of Intercultural Relations*, 30.
4. Caviedes, Alexander (2003), The Role of Language in Nation-Building within the European Union, *Dialectical Anthropology*, Vol. 27.
5. Chang, Y. H. (1998), *Transportation Plan Appraisal and Decision-making Discussion and Application of the Fuzzy Theory*, Hwatai, Taipei.
6. Chen, M. K., & Wang, S. C. (2010), The Use of a Hybrid fuzzy-Delphi-AHP Approach to Develop Global Business Intelligence for Information Service Firms, *Expert Systems with Applications*. Vol. 37.
7. Davies, M.A.P (1994), A Multicriteria Decision Model Application for Managing Group Decisions, *The Journal of the Operational Research Society*, Vol. 45.
8. Dobbins, James F (2003), America's Role in Nation-building: From Germany to Iraq, *The International Institute for Strategic Studies*, 49(4).
9. Hippler, Jochen (2005), *Nation-building: A Key Concept for Peaceful Conflict Transformation*, London, Pluto Press.
10. Hsu T.H., Yang, T.H (2000), Application of Fuzzy Analytic Hierarchy Process in the Selection of Advertising Media, *Journal of Management and Systems*, Vol. 7.
11. Ishikawa, A, Amagasa, M, Shiga, T, Tomizawa, G, Tatsuta, R, & Mieno, H. (1993), The max–min Delphi Method and Fuzzy Delphi Method via Fuzzy Integration, *Fuzzy Sets and Systems*, Vol. 55.
12. Klir, G, & Yuan, B (1995), *Fuzzy sets and fuzzy logic – Theory and Application*, New Jersey, Prentice-Hall Inc.
13. Kuo Y.F, Chen P. C (2008), Constructing Performance Appraisal Indicators for Mobility of the Service Industries Using Fuzzy Delphi Method, *Journal of Expert Systems with Applications*, Vol. 35.
14. Mikhailov, L. (2003), Deriving Priorities from Fuzzy Pairwise Comparison Judgements, *Fuzzy Sets and Systems*, Vol. 134.
15. Nelson, Geoffrey, Prilleltensky, Isaac & MacGillivray, Heather (2001), Building Value-Based Partnerships: Toward Solidarity with Oppressed Groups, *American Journal of Community Psychology*, 29 (5).
16. Okoli C, Pawlowski, S.D (2004), The Delphi Method as a Research Tool: an Example, Design Considerations and Applications, *Information and Management*, Vol. 42.
17. Scott, Richard W. Gerald F. Davis (2007), *Organizations and Organizing: Rational, Natural and Open system Perspectives*. New York, Prentice Hall.
18. Venter, A (1999), Nasionale Identiteitsvraagstuk in Postapartheid-Suid-Afrika (National Identity Issues in Post-Apartheid South Africa), *Tydskrif vir Geestewetenskap*, Vol. 39.